اعلامیه بی طرفی ارتش در 22 بهمن 1357

مهران، مجید

در شماره‏ی یازدهم ماهنامه‏ی گرامی حافظ،مورخ بهمن‏ 1383،تیمسار سرلشکر ناصر فربد(رییس ستاد ارتش در دولت‏ بازرگان)که از افسران ارشد و نیک‏نام ارتش جمهوری اسلامی‏ می‏باشند،مقاله‏ی جالب توجهی درباره‏ی صد ور اعلامیه‏ی بی‏طرفی‏ ارتش مرقوم فرموده بودند که گوشه‏یی از وقایع مهم 22 بهمن‏ 1357 را که منجر به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی شد،بیان داشتند و متن اعلامیه‏ی بی‏طرفی ارتش و اسامی‏ بیست و هفت نفر از امیران ارتش آن‏ روزگار که ذیل اعلامیه را امضا کرده‏ بودند،فاش ساختند که برای بنده‏ آموزنده بود.

مطلبی که برای مخلص جای بحث‏ است و متأسفانه تیمسار سرلشکر فربد سکوت فرمودند و به قول معروف این‏ قصه ناتمام ماند،چند نکته است که از ایشان و هرکدام دیگر از امرای ارتش‏ استدعا دارم با اطلاعات کافی که از سوابق امر دارند،حالا که درست 26 سال از صد ور اعلامیه‏ی بی‏طرفی ارتش‏ می‏گذرد،ناگفتنی‏ها را بر روی کاغذ بیاورند و جوانان این کشور که قلبا مایل‏ هستند درباره‏ی این‏گونه مسایل مهم‏ سیاسی-تاریخی و نظامی کشورشان‏ بیش‏تر آشنا شوند و انتظار می‏رود توضیحات بیش‏تری درباره‏ی مطالب‏ ذیل مرقوم دارند تا در «ماهنامه حافظ»منعکس شده و بدین ترتیب ابرهای ابهام از جلوی دیده‏گان ملت ایران دور گردد و حقایقی مربوط به دلایل صد ور اعلامیه‏ی بی‏طرفی ارتش رژیم‏ سابق پس از بیست و شش سال به‏طور شفاف گفته شود. پرسش‏های نویسنده چنین است:

1-آیا این هفده نفری که از سران ارتش بودند و سمت‏های‏ مهمی در آن دوران داشتند،حقیقتا«برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی بیش‏تر»،بی‏طرفی خود را در مناقشات سیاسی آن روز اعلام کردند و قریب چهارصد هزار افراد نیروهای زمینی و هوایی و دریای طبق این دستور سکوت را رعایت نمودند تا انتقال نیروهای‏ مسلح به دولت جمهوری اسلامی بدون اشکال صورت گرفت و ناچار این نیروی عظیم دست از مقاومت کشیدند،یا این‏که امثال ارتشبد حسین فردوست که سالیان طولانی از افراد بانفوذ کشور بود و سمت‏ قائم مقام رییس ساواک و توأما ریاست بازرسی شاهنشاهی را داشت، برای حفظ ارتش ایران و برای پیروزی انقلاب اسلامی همکاران‏ خود را برای امضای این اعلامیه‏ ترغیب کرد،یا حد اقل در این‏ مورد به خصوص حسن نیّت‏ داشت و نقش مثبت بازی کرد؟

2-آیا شایعه‏یی که همان‏ روزها شنیده می‏شد که ژنرال‏ رابرت هویزر،رییس سابق هیأت‏ مستشاران نظامی امریکا در ایران،برای هدف‏های ذیل به‏ ایران اعزام شده بود،چه قدر صحت دارد؟آیا امیران ارتش در این مورد چه حقایقی را می‏توانند به ملت ایران برای‏ ثبت در تاریخ بازگو کنند؟

مأموریت ژنرال هویزر

برای روشن شدن مأموریت‏ ژنرال هویزر که در سمت‏ معاونت فرماندهی پیمان ناتو در اروپا که نظارت مستقیم بر هیأت مستشاران نظامی امریکا را در ایران داشت،به خاطرات ارتشبد عباس قره‏باغی،رییس وقت‏ ارتش اشارتی زودگذر می‏نمایم:

وقتی در کمیته‏ی بحران با فرماندهان نتیجه‏ی مذاکرات با مستشاران نظامی را تجزیه و تحلیل کردیم،به این نتیجه رسیدیم‏ که پیشنهادات آن‏ها همان اوامر اعلی حضرت است که فرموده بودند، «چون نخست‏وزیر[شاپور بختیار]دولتی که تشکیل داده‏اند، پشتیبان قانون اساسی‏ست،ارتش شاهنشاهی وظیفه دارد که از دولت‏ قانونی پشتیبانی نماید»،ولی وقتی در مذاکرات بعدی ژنرال هویزر اظهار کرد که دیگر دولت امریکا از اعلی حضرت پشتیبانی نمی‏کند و برای برقراری آرامش در مملکت همان‏طور که ملت ایران می‏خواهد، مسافرت اعلی حضرت ضروری‏ست!ما متوجه شدیم که چرا آقای‏ بختیار شرط قبولی تشکیل دولت را مسافرت اعلی حضرت قرار داده‏ است و این مسافرت موقت نیست،زیرا ژنرال هویزر اضافه می‏کند: «نه تنها دولت امریکا،بلکه دولت‏های اروپای غربی هم دیگر از اعلی حضرت پشتیبانی نمی‏نمایند».در حقیقت مفهوم اظهارات هویزر و شرط قبولی بختیار که شاه ایران را ترک کند،همان چیزی بود که‏ مخالفین و آشوب‏کننندگان روز و شب فریاد می‏کشیدند و می‏خواستند،یعنی:«خروج اعلی حضرت از کشور».

اهداف امریکا

مأموریت‏های هویزر عبارت بود از:

الف-نظارت در جمع‏آوری و حفاظت مدارک و اسرار مربوط به‏ هواپیماهای اف 14 و موشک‏های فونیکس،به خصوص در پایگاه‏ هوایی اصفهان...تا پاره‏یی از وسایل نظامی فوق مدرن به دست‏ مخالفان امریکا نیفتد.

ب-مأموریت دیگری نیز هویزر داشت که درباره‏ی خروج 12 هزار نفر مستشاران باقی مانده‏ی امریکایی با افراد خانواده‏شان از طریق پایگاه‏های نظامی(به علّت وضع بحرانی کشور)و سایر مسایل‏ مربوطه،مذاکره به عمل آورد.

ج-نکته‏ی جالب در مقالات بعدی ژنرال هویزر به اتفاق ژنرال‏ گریس،رییس مستشاری ارتش است که سپهبد قره‏باغی چنین نقل‏ کرده است:

«سپس هویزر اضافه کرد:من فکر می‏کنم که خوب است‏ تیمسار با مهندس بازرگان و دکتر بهشتی،نمایندگان جبهه‏ی‏ مخالفین و[آیت اللّه‏]خمینی ملاقات بکنید»و بلا فاصله از ژنرال‏ گس خواست شماره‏ی تلفن آن‏ها را برای من بیاورد...قره‏باغی ادامه‏ می‏دهد:«ضمن تعجب از پیشنهاد ژنرال هویزر،در جواب گفتم: به نظر من این قبیل مذاکرات موردی نداشت و بی‏نتیجه می‏باشد، ارتش وظایف و مأموریتش روشن است.هویزر اظهار داشت:این‏ ملاقات به نظر من مفید خواهد بود،از این نظر که ببینید آن‏ها چه‏ می‏گویند؟»

توضیع نگارنده

این توضیح را نگارنده لازم می‏داند که نقل گفته‏های سپهبد قره‏باغی،دلیل تأیید مفاد آن نیست و شک نیست که انقلاب‏ جمهوری اسلامی از جنبش ملی و خواست ملت ایران نشأت گرفت‏ و نباید هر تحول یا انقلابی را بدون دلیل به دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران بها دهیم و تلویحا نقش ملت ایران را کم‏رنگ نماییم. با توجه به خون‏هایی که شهیدان در راه آرمان‏های ملی خود ریختند و هزاران پدر و مادر داغدار شدند و گلزار شهدا در شهرستان‏ها و روستاهای دور افتاده‏ی ایران گواه این مدعاست،ولی یک نتیجه از خاطرات سپهبد قره‏باغی می‏گیریم که ژنرال هویزر حتما به دستور کارتر،رییس جمهور وقت ایالات متحده و از جانب دولت امریکا نمی‏خواست در ایران حمام خون راه بیفتد و فرض بر این داشتند که‏ اگر دولت بختیار ساقط شود،صلاح ارتش در این است که با امام‏ خمینی و یارانش کنار بیایند و اگر نیک بنگریم،منطق هم‏چنین‏ حکم می‏کرد.

در خاتمه امیدوارم با توضیحات کافی و صادقانه‏ی امیرانی که در آن زمان دست اندر کار بودند،این پرسش‏های مهم تاریخی روشن‏ شود.

توضیحات:

(1)-خاطرات ارتشبد عباس قره‏باغی،نشر نی،1365، ص 138؛

(2)-همان،ص 139؛

(3)-همان،ص 137؛

(4)-همان،ص 147.

هو الباقی

با اندوهی فراوان،خبر فوت آقای سید علی اکبر صدر حاج سید جوادی،قاضی بازنشسته‏ی‏ دادگستری و وکیل پایه یک دادگستری را دریافت نمودیم.ضمن تسلیت به خانواده‏ی‏ ارجمند ایشان،بدین مناسبت از ساعت 16 تا 30/17 روز شنبه 22/12/83 در مسجد حجت‏ ابن الحسن(عج)واقع در خیابان سهروردی‏ شمالی در سوگش می‏نشینیم.

عبد العلی ادیب برومند،پروفسور سید حسن امین، دکتر محمد رضا جلالی نائینی،حسین شهسورانی، یحیی صادق وزیری،دکتر علی صدارت(نسیم)، عبد الحسین طباطبایی،دکتر شمس الدین عالمی، هوشنگ قوامی،فضل اللّه کاسمی،محمود صمصامی، مهاجر،دکتر سیف اللّه وحیدنیا.

(روزنامه‏ی اطلاعات،19/12/83،ص 15)